



jamejamdaily.ir

ویژه فرهنگ - هنر  
رسانه - جامعه

دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱ شماره ۶۴۰۸

در مجموعه پویانمایی مرکز صبا درباره عملیات های دفاع مقدس چه خواهیم دید؟

# روایت معیار برای تبیین مقاومت

« صفحه ۸

راز اتحاد رسانه های غربی - عربی برای اتهام زنی به جمهوری اسلامی چیست؟

## رقابت ۳ گفتمان در تبیین مقام زن

۱۲

نگاهی به دلایل تحریم یک شبکه بین المللی

### پرس تی وی، زبان گویای نظام

۷

گفت وگویی «جام جم» با تهیه کننده «کافه گپ»

### گپ وگفت در باب خانواده

۶

روایت برگزیدگان از پانزدهمین دوره معتبرترین جایزه ادبی کشور

### نگاه تبیینی جایزه جلال، هویداست



فرهنگ

۱۱

در گفت وگو با فرهاد حاجی عباسی، برنده ۲ فانوس جشنواره مردمی فیلم عمار عنوان شد

### تکلیف مدار بودن، رمز موفقیت عمار



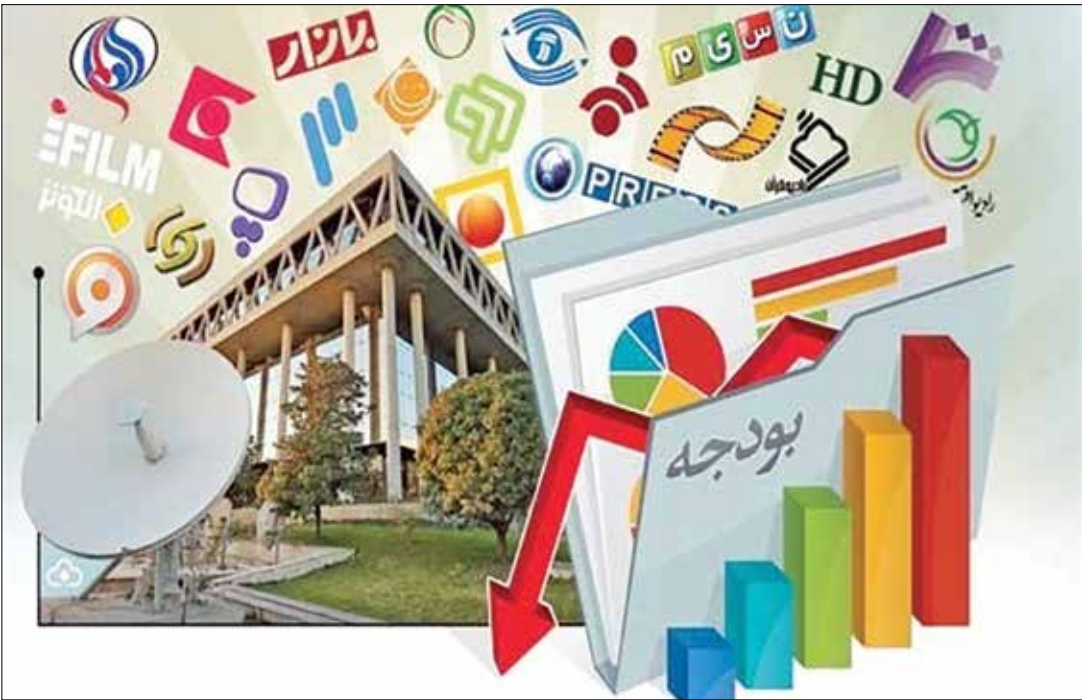
فرهنگ

۱۰

گزارش

نگاهی به ابعاد مختلف هجمه علیه بودجه رسانه ملی

## چرا فرهنگ همچنان مظلوم است؟



سیدحسین موسوی  
معاون حقوقی و امور  
مجلس صداوسیما

در ابتدای این نوشتار توجه خوانندگان عزیز را به بیانی از بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری درخصوص فرهنگ و زیربنایی بودن آن جلب می‌کنم. ایشان بعد از این‌که عنوان «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» را به عنوان شعار سال ۱۳۹۳ انتخاب فرمودند در سخنرانی آغاز سال جدید خود در مشهد در تشریح موضوع سال انتخاب شده ضمن تاکید بر توجه به اقتصاد مقاومتی و ظرفیت‌ها و توان داخلی درخصوص فرهنگ و اهمیت آن فرمودند: «عزیزان من فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است، چراکه فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. اگر این هوا تمیز باشد آثاری دارد و اگر کثیف باشد آثاری دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مانند هواست.»

مغظم‌له چه قبل و چه بعد از سال ۱۳۹۳ و تاکنون بر زیربنایی بودن فرهنگ و موضوعات فرهنگی تاکید داشته و مسئولان تصمیم‌گیر را به تقویت فرهنگ و دستگاه‌های فرهنگی امر فرموده‌اند و مردم را نیز به اهمیت این مهم توجه داده‌اند. چنانچه در دیدار ۱۹ دی امسال مردم قم با ایشان با تاکید مجدد بر ضرورت جهاد تبیین فرمودند: در رأس نقشه‌های بدخواهان، تبلیغات و به قول خودشان پروپاگاندا است که علاج آن، تبیین صحیح حقایق از زبان‌های مختلف و با ابتکار و نوآوری است، چراکه راه برطرف کردن و سوسه تبلیغاتی ارتگذار بر ذهن جوان و نوجوان باتوم نیست بلکه تبیین و روشنگری است.

حال سؤال این است با عنایت به واقعیت اهمیت فرهنگ وزیرنابودن فرهنگ برای همه کارهای دیگر ازجمله اقتصاد آیا این مهم در تصمیم‌گیری‌های دوره‌ای و سالانه مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر کشور از جایگاه اصیل و ویژه‌ای برخوردار است یا خیر؟ فرهنگ چه درصدی از سهم بودجه سالانه کشور را به خود اختصاص می‌دهد؟ و دلیل هجمه‌های رسانه‌های خارجی و بعضا داخلی به بودجه‌های دستگاه‌های فرهنگی و در

اقتصاد هم مهم‌تر است؟ حقیقت دیگر را باید با نگاه به آن سوی مرزها مورد واکاوی قرار داد؛ آنجا که بنگاهی رسانه‌ای مانند بی‌بی‌سی با ۶۸ شبکه، بودجه‌ای چند برابری نسبت به صداوسیمای جمهوری اسلامی با ۱۶۸ شبکه رادیویی و تلویزیونی دارد.

هرچند نمی‌توان در مقایله با رسانه‌های معاند همه چیز را به منابع مالی وابسته کرد اما واقعیت این است که پیام، کالایی گران است و رسانه‌ها از ایده تا دیده شدن پیام توسط مخاطب، باید هم خوب پول خرج کنند و هم پول خرج کنند تا دست برتر و روایت اول را از آن خود کنند. اگر بودجه رسانه ملی واقعی دیده شود و تخصیص آن نیز به راه انداخته‌اند، عملکردی آفندی به جای به تعبیر بلند رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین قراگاه مقابله با جنگ نرم دشمن است، انتظاری واقعی و درست است. قراگاهی که همه، خود را موظف کمک به آن بدانند، همچون قراگاه‌های دوران دفاع مقدس می‌تواند در مقابل جریان عظیمی که این بنگاه رسانه‌ای در کنار ده‌ها و صدها شبکه دیگر به راه انداخته‌اند، عملکردی آفندی به جای پدافندی داشته باشد، در این صورت پیروزی در عرصه چگونگی روایت‌ها و جذب و اقناع مخاطب قریب‌الوقوع است.

تولید آثار فاخر در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نیازمند تزریق بودجه کافی است، به خصوص این‌که انتظار می‌رود صداوسیما هر سال یک نمونه از این آثار را روانه آنتن کند در حالی که آنچه از بودجه نصیب رسانه ملی شده، تولید یک اثر با چنین ویژگی‌هایی را تنها در عرض سه یا چهار سال امکان پذیر می‌کند.

موضوع دیگری که به نظر می‌رسد دغدغه منتقدان رسانه باشد، تولید آثار رسانه‌ای فاخر است و البته کم نقص و به قولی خیابان خلوت‌کن. به یقین هیچ‌کس و هیچ گروهی نمی‌تواند مدعی باشد هر آنچه تولید کرده و در اختیار مخاطب گذاشته، بی‌عیب و نقص و عاری از اشتباه و نقصان است، اما آنچه را باید پذیرفت این است که از تغییر مدیریت ارشد سازمان صداوسیما یک سال و چند ماه بیشتر سپری نشده است، طرح تحول رسانه ملی در حال اجراست و برای نتیجه روشن آن اندکی صبر لازم است و در کنار آن کمک و نقد منصفانه؛ به عبارتی باید اجازه تغییر را در زمان خود داد و زمان مورد نیاز را هم برایش منظور کرد.

رسانه ملی در بعد محتوایی در حال پوست اندازی است و این تغییر، به گذر زمان نیاز دارد و نباید انتظار داشت در کوتاه مدت، آنچه در میان مدت و بلندمدت مد نظر است، تحقق یابد.

توسعه پنج ساله ششم به نوعی در ارتباط بوده‌اند و همچنین اصحاب رسانه، نیک می‌دانند بر اساس قانون برنامه ششم ۷۰ درصد از بودجه عمومی کشور به صداوسیما اختصاص دارد هرچند همین مقدار نیز در سال‌های پس از تدوین، تصویب و ابلاغ برنامه مذکور هیچ‌گاه محقق نشد. رسانه ملی که در سال‌های اخیر با موضوعاتی متنوع و متعدد رویه رو بود، به سختی تمام توانست وظایف خود را به فرجام برساند، در بودجه‌های سنواتی نیز هیچ‌گاه تخصیص صد درصدی بودجه شامل حال رسانه ملی نشده است، پس با علم به این حقایق، شبهه افکنی‌های امروز برخی‌ها نسبت به بودجه صداوسیما در حالی که قانون بودجه ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، از کجا نشأت می‌گیرد و شبهه افکنان به دنبال چه موضوعی هستند و چرا تلاش دارند با ارائه مطالبی غیرمسئند فضا را آلوده کنند.

پررشی دیگری این‌که اصولاً چرا در این فصل بودجه مجموعه فرهنگی کشور از جمله رسانه ملی مورد هجمه قرار می‌گیرد؟ مگر شک دارند که فرهنگ از

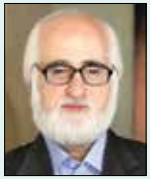
امسال هم با تقدیم لایحه بودجه به مجلس و گمانه زنی در مورد ردیف‌های مختلف آن، بازم بحث بودجه صداوسیما پیش کشیده شد، بودجه‌ای که در ظاهر با ۴۲ درصد افزایش همراه بوده و همین امر در کنار بزرگ‌نمایی رقم‌های ریالی، دستمایه جریان دیگری علیه رسانه ملی قرار گرفته است.

در این باره سخن بسیار است و فراوان می‌توان از تناقضات آشکار و پنهان چنین هجمه‌ای گفت اما آنچه مسلم است این‌که وقتی بودجه عمومی کشور، با افزایش طبیعی و همسان با بخش‌های گوناگون همراه بوده، چرا این افزایش معمولی باید مورد هجمه قرار بگیرد؟

در این بین آنچه مشهود است خرسندی سردمداری رسانه‌های خارجی و به خصوص فارسی‌زبان در تحریم همه جانبه و حمله ناجوانمردانه به صداوسیماست اما آنچه عجیب می‌نماید، همراهی و هم‌گامی بعضی رسانه‌های داخلی با چنین جریان‌هایی است؛ خط سیری آشکار در تخطئه واقعیت‌ها و به انحراف کشاندن افکار عمومی درباره رسانه‌ای که متعلق به همه مردم ایران است.

یادداشت

جشنواره شعر فجر، ویتیرین شعر ایران



جواد محقق  
شاعر

جشنواره شعر فجر گسترده‌ترین و رسمی‌ترین گردهمایی شعرا در سطح کشور است. این جشنواره جدا از جوایزی است که به صورت محفلی، منطقه‌ای و استانی به کتاب‌های شعر داده می‌شود. جشنواره شعر فجر، رویدادی محفلی و گروهی نیست و کاری ملی در سطح کشور انجام می‌دهد به نحوی که همه آثار منتشر شده کشوری را می‌بینند. لذا این جشنواره نسبت به بسیاری از جشنواره‌های محفلی، رویداد معتبرتری است که به یک شخص، گروه یا جریان و جناح خاص تعلق دارند.

کاری که جشنواره شعر فجر انجام می‌دهد، بر مبنای اساس نامه‌اش است و آثار منتشر شده در طول یک سال گذشته را بررسی می‌کند، به همین دلیل کتاب‌های اندریم که بگوید حتماً شاعران یا پژوهشگران باید در این جشنواره می‌شوند. در بعضی از سال‌ها بیش از ۶۰۰۰ عنوان کتاب شعر در جشنواره داشتیم و این حجم از آثار را در یک بازه زمانی بررسی کردن، طبعاً گسترده‌ترین کاری است که در حوزه شعر کشور انجام می‌شود.

قطعا تک تک شعرا از جشنواره شعر فجر انتظاراتی دارند که شخصی نیست. انتظارات ما در حد همان انتظاراتی است که در آیین نامه و اساسنامه این جشنواره ذکر شده. ضمن این‌که بر اساس آیین نامه و اساسنامه، هیچ قاعده‌ای نداریم که بگوید حتماً شاعران یا پژوهشگران باید در این جشنواره حضور داشته باشند. به نظر من نقطه مطلوب این است که در ادوار مختلف بتوانیم از طیف‌های مختلف افراد، چه شاعران و سراینده‌گان چه اهالی تحقیق و پژوهش‌های ادبی و دانشگاهی استفاده کنیم. همچنین تعداد کتاب‌های خوب و شاخص به لحاظ کیفی و کمی در ادوار مختلف جشنواره شعر فجر متفاوت است. به همین دلیل ممکن است بعضی از دوستان فکر کنند که مثلاً چرا کتاب برگزیده امسال نسبت به کتاب برگزیده چند سال پیش به لحاظ کیفی در سطحی پایین‌تر قرار دارد. این مسأله به داوران جشنواره مرتبط نیست بلکه به کیفیت آثار شرکت‌کننده در هر دوره برمی‌گردد. البته بعضی از داوران شعر فجر هم با مقایسه آثار یک دوره از جشنواره با ادوار پیشین، فکر می‌کنند مثلاً در این دوره هیچ کتابی شایستگی برگزیده شدن را ندارد! غافل از این‌که نباید کتاب‌های ادوار مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد. به این خاطر که هدف از برگزاری جشنواره شعر فجر این است که کتاب سال را انتخاب کنیم نه کتاب دوسالانه و ده‌سالانه و کتاب قرن را. بنابراین کتاب‌های هر سال باید نسبت به کتاب‌های همان سال جاری مورد ارزیابی قرار بگیرند. در بعضی از سال‌ها شاهد این هستیم که شاعر مشهوری کتابی چاپ کرده که درباره آن اطلاع‌رسانی گسترده‌ای در فضای حقیقی و مجازی انجام شده اما مخاطب خود کتاب را به دلیل نارسایی در توزیع ندیده است. این شاعر مشهور مثلاً پیشتر آثار متعددی چاپ کرده و این ذهنیت را برای بعضی از مخاطبان به وجود آورده که حتماً باید از او در جشنواره شعر فجر تقدیر به عمل آورده شود، در حالی که آثار ارزنده پیشین یک شاعر و نویسنده دلیل بر این نمی‌شود که هر سال او اثری شایسته روانه بازار کند. ممکن در سالی اثر یک شاعر ناشناخته بسیار شاخص‌تر از یک شاعر معروف باشد. بنابراین داوران و مخاطبان باید به این نکته توجه کنند که الزاماً شهرت یک شاعر، دلیلی بر ارزش بالای تمام آثارش نمی‌شود. کم‌الین‌که شاعران صاحب‌نام زیادی دیده‌ام که آثار ارزنده‌شان را در دوران جوانی و میان‌سالی سروده‌اند و توان شاعری آنها هم‌زمان با سن‌شان بالا نرفته. یکی از ویژگی‌های جشنواره‌ها در تمام حوزه‌های هنری این است که به جای نام‌ها، سراغ آثار را برد.